تأکید میقاتیت در روایات «صم للرویه» در کنار دو قرینه منفصله؛ «قضاء صوم» و«اتموا العدة ثلاثین»

خلاصه اش این است: اگر استظهار از این چند حدیث سر برسد، بخصوص صحیحه عیص بن قاسم، یک قرینه استظهاری برای روایات رؤیت پیدا میکنیم. از نظر کلاس فقه این کم نیست. اگر عرض ما سر برسد و عرف عقلاء بعداً این مباحثه ما را تأیید کنند. چون یکی ظهور داریم، که ظهور سریع میآید. استظهار این است که شما قرائنی را آماده میکنید و به ذهن عرف عقلاء عرضه میکنید، بعد عقلاء شما را تأیید میکنند. میگویند احسنت! اینها قرائن در ذهن ما نبود، الآن که شما اینها را آوردید، همه میگوییم تو درست میگویی. اگر یاداتان باشد اسم این را استظهار گذاشته بودیم، در مقابل ظهور. ظهور قرائن داخلیه دارد که با مختصر چیزی میآید. استظهار این است که تام است؛ قرائن داخلیه و خارجیه در ذهن مخاطب إحضار میشود و این دفعه همه تأیید میکنند.

خب اگر این روایت و بحث دیروز ما سر برسد معنایش این است: ما یک قرینه لبیه منفصله برای روایات استصحاب، «صم للرویه» و همه روایاتی که علماء فرموده بودند متواتر است که این قدر که «صم للرویه و افطر للرویه» فرمودند مقصود همین بحث دیروز است. یعنی در موضوع تکوینی دخول شهر، آن اثری که شارع حاضر نیست از آن بگذرد که میقاتیت للناس است، تمام این روایات متواتر دارد میخ آن را میکوبد. این چیزی کمی نیست. الآن در کلاس فقه استظهارات دیگری از آن شده است. طور دیگری معنا شده است. استصحاب سهولت دارد، سماحت ملت و شریعت دارد، اما مقصود اصلی از اینها چیست؟

خب چرا؟ دو قرینهای که جلوتر عرض کردم در ذهن شریفتان باشد. چرا مقصود از «صم للرویه و افطر للرویه» حتی استصحاب خشک و خالی نیست؟ بلکه تأکید میقاتیت و تعظیم شعائر صوم مقصود بسیار مهم شارع بوده؛ تا ندیدی ثابت نیست؛ با هم ببینید و مشی بر یقین کنید؛ دو قرینه هست. کنار همین روایتی که «صم للرویه و افطر للرویه» در روایات صحیح بود که اگر بعداً شهادت دادند که دیدهاند «اقض یوما». یعنی من طرفدار این نیستم که رؤیت را جزء موضوع کرده باشم. ماه ماه است. تو هم «صم للرویه و افطر للرویه»، اگر بعداً فهمیدی که این صوم تو درست نبوده، و دیده بودند، یک روز را قضا کن. دقیقاً این قرینه «اقض یوما» که در کنار

«صم للرویه» می‌فرمایند، یعنی مقصود از «صم للرویه» برای نظم است. مشی بر یقین است. اختلاف نکردن در تعظیم شعائر صوم و ماه مبارک است. میخ میقاتیت کوبیده شود.

قرینه دوم، «اتموا العدة ثلاثین» است. اینها کم نیست. «صم للرویه و افطر للرویه»، خب اگر ندیدی، چه؟ سی روز. خب اگر سی روز هم ندیدیم چه؟ بیش از سی روز نمی‌شود. میزان ماه است. موضوع ماه است. ماه که بیش از سی روز نمی‌شود. خب اگر او طرفدار رؤیت بود، چه کار داشت بگوید «اتموا الثلاثین»؟! «صم للرویه افطر للرویه» ولو سی و دو روز بگیریم؟! نه، اینجا معلوم است که سی روز، میخ مقاتیت را میکوبد و مطلوب شارع محقق میشود.

این دو قرینه بسیار مهم است؛ ضمیمه کردن قضا و تمام کردن ـ سی روز بدون اشتراط و اناطه به رؤیت. پس موضوع همان موضوع است.

شاگرد: در صورت علم به خطای ناس همچنین چیزی میآید؟ دراینصورت باید مطابق با آنها حرکت کنیم؟ مخصوصاً در عید قربان و حج و اینها

استاد: صحبت سر علم است. مدت ها ذهن من روی فرمایش شما مشغول شده است. آیا این علم میآید یا نمیآید؟

شاگرد: نسبت به اهلسنت.

استاد: سال هشتاد و شش همینطور شد. من مشرف بودم. ذی الحجه را سی و یک روز گرفتند و بعد اعلام کردند که اشتباه کرده‌ایم. آن سال خیلی مهم بود. این همه حجاج بودند، مراجع تصحیح نمی کردند. فقط به گمانم آیتالله بهجت بودند که حج آن سال را تصحیح کردند. سایر مراجع فرمودند در خصوص این فرض به آیتالله بهجت مراجعه کنند که ایشان تصحیح میکنند. و الا بعد از اینکه خودشان گفتند ما اشتباه کردیم، مشکل شد.

فرض این است که این جور علم باشد؛ اینکه خودشان بگویند استثنائات داری است. اینکه چرا اینطور شده بود تحلیلش جای خودش باشد. و الا اگر علم پیدا کنیم به اینکه جمیع دیده‌اند، «اتفق القوم»، یک نفر هم مخالف ندارد، علم داریم که اشتباه کرده‌اند.

شاگرد: «صم حین یصوم الناس» است. همه روزه میگیرند و نمیدانیم دیده‌اند. همه اهل تسنن روزه گرفته‌اند.

بازبینی #3
ایجاد شده 29 نوامبر 2025 13:44:10 توسط ... .
به روزرسانی شده 25 فوریه 2026 15:03:00 توسط ... .